


Investigating the Cultural and Social Issues of Iranian Children and Adolescents from the Perspective of Cultural and Social Experts

Zeinab Naderi , Assistant Professor, Farhangian University. Ph.D in Philosophy of education, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran. Email: zbnaderi@gmail.com

Abstract

Introduction: Rapid cultural and social transformations, accelerated by technological advancements and globalization, have significantly impacted the lives of children and adolescents. In Iran, these changes have introduced numerous challenges in cultural and social domains, necessitating comprehensive identification and mitigation strategies. Given that childhood and adolescence are critical stages in the formation of identity, beliefs, and values, structured planning is essential to minimize risks and leverage opportunities. This study examines the cultural and social challenges faced by Iranian children and adolescents in 2024 (1403), prioritizing these issues across two dimensions cultural and social and proposing actionable solutions.

Methods: This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 11 cultural, educational, and social experts, selected purposively based on their expertise. The data were analyzed using MAXQDA software through a three-stage coding process: open, axial, and selective. Open-ended questionnaires were also administered to validate findings and enhance reliability.

Results: The findings categorize challenges into two main areas:

1. Cultural Challenges:

- **Decline in religious and national beliefs:** Diminished adherence to religious and national values due to inadequate family upbringing, unengaging educational content, and ineffective media.
- **Adoption of foreign cultural norms:** Excessive influence of Western media and celebrities has eroded cultural identity.
- **Reduced hope for the future:** Economic instability and pessimistic parental attitudes contribute to widespread hopelessness.
- **Lack of cultural/recreational facilities:** Insufficient public spaces for leisure activities lead to excessive and unproductive virtual engagement.

2. Social Challenges:

- **Deficits in social skills:** Adolescents face difficulties in social integration, teamwork, and coping with social judgment.
- **Identity crisis:** Confusion regarding personal, national, and gender identity results in significant uncertainty.
- **Family relationship issues:** Declining emotional interactions between parents and children due to excessive virtual engagement and busy lifestyles.

- **Misuse of virtual spaces:** Virtual platforms often foster behavioral issues and technology addiction rather than constructive use.

Discussion: The study underscores the urgent need for policy-driven interventions to address these challenges. Key recommendations include prioritizing identified issues, establishing public cultural/recreational centers, educating parents on effective parenting, and producing appropriate media content. Reforming the educational system and implementing identity-strengthening programs are also crucial.

Recommendations:

- Allocate sufficient funding for public cultural and recreational centers.
- Develop training programs for parents and teachers to improve parenting and mentorship skills.
- Implement policies to monitor and regulate virtual spaces effectively.
- Promote indigenous media content to reinforce cultural identity.

This study highlights the necessity of addressing the needs of children and adolescents the most vulnerable demographic and provides a foundation for informed policymaking in cultural and social domains.

Keywords: Adolescents, Children, Cultural, Issues and Challenges, Social.



بررسی مسائل فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان ایران از منظر صاحب‌نظران فرهنگی و اجتماعی

زینب، نادری^۱

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان پرداخته است. با توجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی عصر جدید، مانند پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از تقابل سنت و مدرنیته، جهانی‌شدن و تأثیرات فناوری، چالش‌های بسیاری در مسیر رشد و تربیت این گروه سنی ایجاد کرده است که ضرورت شناخت دقیق این مشکلات را دوچندان می‌کند. دوران کودکی و نوجوانی به دلیل شکل‌گیری هویت و باورها، مرحله‌ای حساس است که عوامل محیطی، خانواده، آموزش، رسانه و جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان از منظر صاحب‌نظران فرهنگی و اجتماعی، به‌منظور ارائه راهکارهایی جهت حل مشکلات آن‌ها در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است. برای این منظور، مصاحبه‌هایی عمیق با کارشناسان و مسئولان فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مرتبط با باورها، اعتقادات، نگرش‌ها و اوقات فراغت و رابطه با خانواده و جامعه بررسی‌های مختلف صورت گرفت و حاصل مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا کدگذاری و با روش تحلیل مضمون تحلیل شد. آن‌گاه چالش‌های کدگذاری شده در دو بعد فرهنگی و اجتماعی مورد اولویت‌بندی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که ارتباطات در فضای مجازی و تضعیف باورهای دینی و مذهبی از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که نوجوانان با آن مواجه‌اند. در ادامه، مسائلی نظیر الگوبرداری از فرهنگ‌های بیگانه، تأثیرات اجتماعی، مشکلات مرتبط با فرزندپروری و بحران هویت به‌عنوان دیگر اولویت‌های مهم شناسایی شدند.

واژگان کلیدی:

اجتماعی، فرهنگی، کودک، مسائل و مشکلات، نوجوان.

مقدمه و بیان مسئله

کودکان و نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان هر جامعه‌ای، نقشی محوری در بازتولید فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کنند. در ایران، کشوری با پیشینه فرهنگی غنی، مسائل مرتبط با این گروه سنی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که ریشه در تعامل میان سنت و مدرنیته، جهانی شدن و تحولات اجتماعی دارد. در دهه‌های اخیر، تغییرات سریع در ساختار خانواده، گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، تحولات نظام آموزشی و دگرگونی‌های اقتصادی، همگی بر تجربه زیسته کودکان و نوجوانان تأثیر گذاشته‌اند. این دگرگونی‌ها، ضمن ایجاد فرصت‌هایی برای رشد و توسعه، چالش‌هایی را نیز به همراه داشته‌اند که نیازمند تحلیل و بررسی عمیق از منظر فرهنگی و اجتماعی است.

درواقع نسل‌های جدید در ایران، به‌عنوان بخشی از جامعه‌ای در حال گذار، با چالش‌های متعددی مواجه هستند که ریشه در تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد. یکی از مهم‌ترین مسائل، تضاد میان ارزش‌های سنتی و الزامات زندگی مدرن است. در فرهنگ ایرانی، خانواده به‌عنوان هسته اصلی جامعه‌پذیری، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت و انتقال ارزش‌ها داشته است. با این حال، تغییرات در ساختار خانواده‌ها، از جمله کاهش بعد خانوار، افزایش نرخ طلاق و ورود زنان به بازار کار، این نهاد را با دگرگونی‌هایی مواجه کرده است که بر تجربه زیسته کودکان و نوجوانان اثر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، کاهش نظارت مستقیم والدین و افزایش وابستگی به رسانه‌ها و فضای مجازی، الگوهای جامعه‌پذیری را تغییر داده و به ظهور شکاف میان نسل‌ها منجر شده است (حاضری و شریفی، ۱۳۸۹: ۲).

ازسوی دیگر، جهانی شدن و گسترش فناوری‌های ارتباطی، دسترسی کودکان و نوجوانان به اطلاعات و فرهنگ‌های بیگانه را تسهیل کرده است. این امر، ضمن ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری و توسعه مهارت‌ها، خطر تضعیف هویت فرهنگی و ملی را نیز به همراه داشته است. یکی دیگر از مسائل کلیدی، نظام آموزشی و نقش آن در شکل‌دهی به ذهنیت و رفتار کودکان و نوجوانان است. نظام آموزشی ایران که اغلب بر حفظ‌محوری و انتقال یک‌جانبه دانش استوار است، نتوانسته به‌طور کامل با نیازهای نسل جدید همگام شود. فقدان آموزش مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی و مدیریت هیجانات، زمینه‌ساز مشکلاتی چون اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی در میان این گروه سنی شده است (فتحی و مطلق، ۱۳۹۰). این موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که فشارهای اقتصادی و اجتماعی، از جمله بیکاری والدین و افزایش هزینه‌های زندگی، بر سلامت روان و رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارد.

همچنین، نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای نیز از مسائلی است که تجربه کودکان و نوجوانان را در ایران تحت تأثیر قرار داده است. تفاوت‌های میان مناطق شهری و روستایی و همچنین شکاف میان طبقات اجتماعی، فرصت‌های نابرابری را در دسترسی به آموزش، امکانات فرهنگی و خدمات رفاهی ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال، در مناطق محروم، کودکان و نوجوانان اغلب از دسترسی به امکانات اولیه محروم هستند، درحالی‌که در کلان‌شهرها، مصرف‌گرایی و فشارهای ناشی از رقابت اجتماعی بر رفتار و هویت آنان اثر می‌گذارد. در این میان، انحرافات اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری و خشونت در میان برخی از نوجوانان، زنگ خطری برای جامعه محسوب می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش درصدد است تا با هدف تحلیل و بررسی این مسائل و با تکیه بر دیدگاه‌های صاحب‌نظران، تصویری جامع و چند وجهی از وضعیت مسائل کودکان و نوجوانان در ایران ارائه دهد. پرسش اصلی این است که از منظر صاحب‌نظران و نخبگان دانشگاهی، مهم‌ترین مسائل فرهنگی- اجتماعی کودکان و نوجوانان در جامعه امروزی کدام‌اند؟ در واقع شناسایی و درک مسائل فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان در ایران، نه‌تنها به شناخت بهتر از وضعیت کنونی این گروه سنی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های مؤثر در حوزه‌های آموزش، فرهنگ و رفاه اجتماعی خواهد بود.

پیشینه پژوهش

خدابخش و احمدی (۱۳۸۹) مطالعه‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در نوجوانان و جوانان» انجام داد. او در این مطالعه به بررسی مؤلفه‌هایی که می‌توانند از نظر فرهنگی و اجتماعی نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهند، پرداخته است. بیشترین زمینه آسیب مرتبط با «نقش‌های جنسیتی» و «دیدگاه‌های فمینیسم» بوده است و بعد «اوقات فراغت» از دیگر زمینه‌های آسیب در میان نوجوانان بیان شده بود. بعد از آن به ترتیب «مادی‌گرایی»، «گرایش به رسانه‌های غربی»، «ارتباط با جنس مخالف»، «ضعف اعتقادات و تقیدات مذهبی» از دیگر مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی نوجوانان بیان شده بود.

در پژوهش «بررسی مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی و تربیتی در بین کودکان و نوجوانان» که توسط محمدمهدی مرزبان (۱۴۰۳) انجام شده، به‌صورت کلی به بررسی چالش‌هایی که نوجوانان و کودکان در عصر حاضر با آن‌ها مواجه هستند، پرداخته شده است. نویسنده مسائل عمده در این عرصه را به شرح زیر بیان می‌کند: «چالش‌های مذهبی و دینی»،

«ترویج خرافه‌گرایی و عرفان‌های دروغین»، «تأثیرپذیری از فرهنگ صهیونیسم»، «گرایش به پورنوگرافی و مسائل جنسی»، «کاهش تأثیرپذیری اطفال از والدین»، «ترویج فرهنگ غربی و بحران هویت»، «چالش دانش‌آموزان با معلمان». وی پیشنهاد می‌کند که والدین می‌توانند با نقش‌نظارتی خود و کنترل فضاهای مجازی مانع بسیاری از انحرافات شوند. همچنین نقش مسئولان را نیز بسیار حیاتی می‌داند تا با تأسیس پایگاه‌های جذاب و مناسب کودکان و نوجوانان مانع از تأثیرگذاری منفی فضاهای مجازی شوند.

کشورهای دیگر نیز از بررسی این مسئله در کشور خود غافل نبوده و به نتایج نسبتاً مشابهی رسیده‌اند درباره آنچه در ایران به آن پرداخته شده است. بایدو و آدوما آقوا (۲۰۲۱) در پژوهشی که به بررسی چالش‌های دانش‌آموزان نوجوان در مدارس متوسطه شهر غنا می‌پردازند، مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی نوجوانان را «احساس طرد شدن از سوی دوستان»، «ترس و نگرانی درباره آینده» و «احساس عدم جذابیت نسبت به جنس مخالف» بیان می‌کنند.

هرچند مشابهت‌هایی میان موضوع این پژوهش و پیشینه‌های مرتبط پژوهشی مشاهده می‌شد، اما با گذشت حدود پانزده سال از بررسی احمدی‌نوده و مینا قرار دادن نظر خبرگان مرتبط با این حوزه در شناسایی و تحلیل مسائل و مشکلات فرهنگی- اجتماعی کودکان و نوجوانان را می‌توان از نوآوری‌های این پژوهش تلقی کرد.

چهارچوب مفهومی

در این پژوهش کیفی، هدف اصلی فهم عمیق مسائل فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان در ایران از منظر صاحب‌نظران فرهنگی و اجتماعی است. چهارچوب مفهومی به‌عنوان یک راهنمای مفهومی عمل می‌کند که مفاهیم اولیه را مشخص کرده و زمینه را برای استخراج مضامین از داده‌های مصاحبه فراهم می‌سازد. این چهارچوب، به‌جای پیش‌فرض‌های ثابت، انعطاف‌پذیر طراحی شده است تا با تحلیل داده‌ها تکامل یابد. فرهنگ: برای «فرهنگ»، تعاریف متعدد و مختلف بیان شده و مصادیق گوناگون و متنوع درباره آن ذکر کرده‌اند؛ اما در بین این تعاریف‌ها تعریف آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی بریتانیایی، مقبولیت بیشتری دارد. وی فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌هایی می‌داند که اعضای یک جامعه معین دارند و نیز هنجراهایی که از آن پیروی و کالاهایی مادی که تولید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳، به نقل از زائر کعبه، ۱۴۰۰). اگر همین تعریف را به لحاظ دایره

معنایی گسترش دهیم، فرهنگ حاوی باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهاست. از طرفی، باورها و ارزش‌ها لایه‌های عمیق و غیر مادی و از طرف دیگر، هنجارها و نمادها لایه‌های سطحی و مادی فرهنگ به شمار می‌روند.

مسائل اجتماعی: مفهوم مسائل اجتماعی که در ابتدا ماهیتی علمی و تخصصی داشت، به دلیل گسترش استفاده عمومی از این اصطلاح از حیطه انحصاری مباحث آکادمیک خارج شده است. باین حال، همچنان تعاریف مختلفی برای مسائل اجتماعی ارائه می‌شود که هرکدام رویکردهای خاصی را بازتاب می‌دهند. از میان این تعاریف، نظریه هورتون و وزلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ویژگی‌های اساسی مسائل اجتماعی در جهان معاصر را برجسته می‌کند. براساس این نظریه، سه عنصر اصلی در تعریف مسئله اجتماعی قابل توجه است: ۱. این مسئله باید مورد نگرانی بخش قابل توجهی از جامعه باشد؛ ۲. اعضای جامعه معتقد باشند که رفع آن ضروری است؛ و ۳. این باور وجود داشته باشد که فرد، سازمان یا گروهی مسئولیت حل آن را بر عهده دارند (حسینی‌نثار، ۱۳۹۴).

کودک و نوجوان

کودک: «کودک» به‌طور کلی به فردی اطلاق می‌شود که در مراحل اولیه رشد جسمانی، ذهنی و اجتماعی قرار دارد و هنوز به بلوغ کامل نرسیده است. در ادبیات علمی و حقوقی، این مفهوم اغلب با محدوده سنی مشخص می‌شود، اما تعریف آن فراتر از سن تقویمی است و به ویژگی‌های رشدی و وابستگی اجتماعی نیز بستگی دارد. از منظر روان‌شناختی، کودک به فردی گفته می‌شود که در مرحله پیش‌عملیاتی یا عملیات عینی (براساس نظریه پیاژه) قرار دارد و توانایی‌های شناختی او در حال تکامل است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، کودک به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی در حال جامعه‌پذیری دیده می‌شود که تحت تأثیر نهادهایی مانند خانواده، آموزش و فرهنگ قرار دارد (صفری شالی و عباسی، ۱۴۰۳).

نوجوان: «نوجوان» به فردی اطلاق می‌شود که در مرحله انتقالی میان کودکی و بزرگسالی قرار دارد. این دوره با تغییرات عمیق جسمانی (بلوغ)، شناختی (تفکر انتزاعی) و اجتماعی (استقلال‌طلبی) همراه است. از دیدگاه روان‌شناختی، نوجوانی با نظریه‌هایی مانند مراحل رشد اریکسون^۱ (هویت در برابر سردرگمی نقش) توضیح داده می‌شود که بر تلاش برای یافتن خود و جایگاه اجتماعی تأکید دارد. از منظر جامعه‌شناختی، نوجوان به‌عنوان یک کنشگر فعال‌تر در جامعه دیده می‌شود که هم تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی است و هم بر آن‌ها اثر می‌گذارد (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۷: ۱)

روش پژوهش

در فرایند پژوهش، پس از مشخص شدن مسئله پژوهش، پژوهشگر باید به این سؤال پاسخ دهد که از چه روشی می‌تواند به سؤالات تحقیق پاسخ دهد. اولین گام در انتخاب روش مناسب برای رسیدن به پاسخ سؤالات تحقیق انتخاب پارادایم روشی با توجه به سؤالات تحقیق است. در این تحقیق با توجه به اینکه هدف تحقیق اکتشاف و واکاوی ذهنیت مسئولان فرهنگی است، طبیعتاً پارادایم مناسب با این هدف نیز پارادایم کیفی است.

روش‌های شناسایی مسائل و مشکلات

راه‌های مختلفی برای شناسایی مشکلات و مسائل کودکان و نوجوانان وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. دیدگاه مستقیم کودکان و نوجوانان:

- مشاهده رفتار آنان در اجتماع؛
- گفت‌وگو و مصاحبه مستقیم با کودکان و نوجوانان درباره مشکلات خود؛
- استفاده از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های بازپاسخ.

۲. دیدگاه نهادهای مرتبط:

- نظر والدین و مربیان به‌عنوان افراد نزدیک به کودکان و نوجوانان؛
- تحلیل‌های روان‌شناسان و متخصصان حوزه کودک و نوجوان؛
- داده‌های تحقیقات و مطالعات پیشین؛
- اطلاعات مراکز فعال در حوزه تربیتی و فرهنگی.

در این پژوهش، به‌دلیل محدودیت زمانی و اهمیت دقت در داده‌ها، روش مراجعه به متخصصان و مؤسسات تربیتی انتخاب شد. این روش به ما امکان می‌دهد تا علاوه بر شناخت مشکلات ظاهری، به مسائل ریشه‌ای‌تر و اساسی‌تر کودکان و نوجوانان نیز بپردازیم. در یک تحقیق کیفی، روش‌های گردآوری و تحلیل داده نیز به‌صورت کیفی جمع‌آوری می‌شوند. برای پاسخ به سؤالات پژوهش از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در مناطق دوردست و شهرستان‌ها در بعضی موارد پرسشنامه بازپاسخ استفاده شده است.

در این تحقیق برای افزایش پایایی، سؤالات مصاحبه در اختیار کارشناسان مربوطه قرار گرفت و تأیید حاصل شد و همچنین بعد از انجام اولین مصاحبه، سعی بر آن شد تا نواقص شیوه مصاحبه برطرف شود؛ بنابراین، سؤالات کلیدی و گزاره‌هایی از تحقیقات اسنادی را گردآوری شد تا مصاحبه از اهداف کلی خارج نشوند. برای هر یک از مصاحبه‌شوندگان بر

طبق حوزه‌ای که در آن صاحب‌نظر بودند، اهداف و مفاهیم کلی را توضیح داده و تفهیم شدند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌ها نیز، همه‌گزاره‌ها و تفسیرهای متعلق به هریک از مصاحبه‌شوندگان، تفکیک و عمل‌کدگذاری انجام شد. همچنین یک روش برای تعیین اعتبار مصاحبه‌ها آن است که به‌لحاظ صوری کنترل شود که آیا درجه‌ای از صحت و وثوق را که در طول مصاحبه به دنبال آن بوده، فراهم کرده است یا خیر؟ که در تحقیق حاضر این نوع اعتبار حاصل شد.

با توجه به موضوع تحقیق، لازم بود که از کارشناسان مختلفی مصاحبه صورت پذیرد و موضوع از ابعاد مختلف بررسی و تبیین شود. به همین دلیل، انتخاب مصاحبه‌شوندگان هدفمند بود؛ چراکه نسبت به سوابق کاری و فعالیت‌ها و علایق پژوهشی مصاحبه‌شوندگان، مطالعه دقیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها در این تحقیق پیش برده شد تا به اشباع داده‌ها دسترسی پیدا کنیم. به‌این‌ترتیب در مصاحبه با کارشناسان، زمانی که روشن شد افراد در اظهارنظرها و پاسخ‌های خود نوعی تکرار محتوا را بیان می‌کنند، از ادامه مصاحبه پرهیز کردیم؛ چراکه این نتیجه حاصل شد که تحقیق به اشباع داده‌های مورد نظر رسیده است. با توجه به سؤالات تحقیق که هدف از آن‌ها، کشف مضامین اصلی مد نظر فعالان فرهنگی است، برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مسئولان و فعالان فرهنگی روش تحلیل مضمون انتخاب شده است.

روش تحلیل مضمون شامل سه مرحله زیر می‌باشد:

۱. تجزیه و توصیف متن (کدگذاری توصیفی)؛

۲. تشریح و تفسیر متن (کدگذاری تفسیری)؛

۳. ادغام و یکپارچه کردن متن (یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر) (فرخی، ۱۳۹۳).

مصاحبه‌ها بین یک ساعت تا یک ساعت و نیم به طول انجامید و مکالمات ضبط شد. پس‌از آن، مصاحبه‌ها به‌صورت متن و لغت به لغت در نرم‌افزار وردا پیاده شد. پس‌از آن گوش دادن کامل مصاحبه، توسط محقق و پیاده‌سازی آن‌ها، متن‌ها به نرم‌افزار مکس کیودا منتقل شد و کدگذاری‌ها براساس مقوله‌های اصلی صورت گرفت و در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام گرفتند. همچنین درباره روش پرسشنامه همان سؤالات مصاحبه‌ها به‌صورت پرسشنامه در اختیار افراد قرار گرفت و پاسخ‌ها جمع‌آوری شد و از طریق نرم‌افزار مکس کیودا، کدگذاری‌ها صورت گرفت. تمام مراحل مذکور با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از

انتزاع به دست می‌آید.

برای پاسخ به سؤالات تحقیق، مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته با تعداد یازده نفر از فعالان فرهنگی ترتیب داده شد تا نظرات آن‌ها در حوزه مسائل و مشکلاتی که کودکان و نوجوانان در زمینه فرهنگی و اجتماعی با آن مواجه هستند، استخراج شود. این مدیران به ترتیب زمان مصاحبه، عبارت‌اند از:

جدول ۱. مصاحبه‌شوندگان و کدهای اختصاص داده‌شده به آن‌ها

نام	سمت
مصاحبه‌شونده کد (۱)	پژوهشگر تربیتی
مصاحبه‌شونده کد (۲)	آموزگار مدرسه غیردولتی شهر اراک، کارشناس ارشد علوم قرآنی
مصاحبه‌شونده کد (۳)	معاون پرورشی مدرسه شاهد منطقه ۹، ۲۹ سال سابقه کار، لیسانس علوم پرورشی
مصاحبه‌شونده کد (۴)	معاون اتحادیه انجمن‌های دانش‌آموزی - مدرس حوزه رسانه و فضای مجازی - مدرس ضمن خدمت آموزش و پرورش - فوق لیسانس مشاور خانواده و دانشجوی دکتری مشاور خانواده
مصاحبه‌شونده کد (۵)	فعال فرهنگی و اجتماعی
مصاحبه‌شونده کد (۶)	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی گرایش مطالعات جوانان، معلم و مربی متوسطه اول و دوم - فعال فرهنگی و اجتماعی
مصاحبه‌شونده کد (۷)	معلم متوسطه اول زاهدان، کارشناس دبیری
مصاحبه‌شونده کد (۸)	پژوهشگر تربیتی و فعال فرهنگی و اجتماعی
مصاحبه‌شونده کد (۹)	معاون انجمن حمایت از کودکان کار
مصاحبه‌شونده کد (۱۰)	مشاور حوزه کودک و نوجوان دکترای تخصصی مشاوره
مصاحبه‌شونده کد (۱۱)	مسئول فرهنگی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان

لازم به ذکر است به منظور اولویت‌بندی مسائل و مشکلات، فراوانی آن‌ها در سخنان مصاحبه‌شونده‌ها و نظرسنجی از آن‌ها معیار تعیین آن قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

بعد از آنکه متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد، با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA در سه مرحله کدگذاری توصیفی، تفسیری و یکپارچه‌سازی شدند. کدهای باز یا مضامین اولیه، مضامین پایه و مضامین محوری در ادامه خواهند آمد. با توجه به مصاحبه‌هایی که با کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه کودک و نوجوان صورت گرفت، مسائل فرهنگی و اجتماعی دو مقوله اصلی بودند که بررسی شدند.

مسائل و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی کودک و نوجوان

در این پژوهش، تحلیل داده‌ها از طریق سه مرحله کدگذاری توصیفی، تفسیری و یکپارچه‌سازی انجام شد. ابتدا در مرحله کدگذاری توصیفی، تعداد ۲۵ مضمون اولیه از داده‌های مصاحبه‌ها استخراج شد. سپس در مرحله کدگذاری تفسیری، این مضامین به نه مضمون پایه دسته‌بندی شدند. در نهایت، در مرحله یکپارچه‌سازی، مضامین پایه به دو طبقه فراگیر تقسیم شدند که به ترتیب شامل مضامین محوری «فرهنگی» و «اجتماعی» بودند. طبق جدول دو، مسائل «فرهنگی» کودکان و نوجوانان در چهار حوزه کلی طبقه‌بندی شده است. برای هر حوزه، زیرمؤلفه‌هایی تعریف شده که اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده کدهای مصاحبه‌شوندگانی است که این مؤلفه‌ها از تحلیل نظرات آن‌ها استخراج شده است.

جدول ۲. مسائل فرهنگی حوزه کودک و نوجوان

مضامین محوری	مضامین پایه	مضامین اولیه
	باورها و اعتقادات	ضعف باورهای تمدنی و ملی (۸، ۹، ۱۰، ۱۱)
		ضعف باورهای دینی و مذهبی (۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)
		شک و تردید در ارائه باورها و اعتقادات
شاخص‌های فرهنگی هویت نوجوان	ارزش‌ها و هنجارها	کاهش امید به آینده (۵، ۶، ۸، ۱۰)
		کاهش پایبندی به هنجارها و ارزش‌ها (۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)
		ضعف وجود اندیشه‌های عمیق (۴، ۵، ۶، ۸، ۹)
رفتارها پوشش و سمبل‌ها		مطابقت کم با روحیات نوجوان (۵، ۶، ۱۰)
		الگوبرداری از جامعه (۳، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)
		الگوبرداری از رسانه‌ها و فرهنگ بیگانه (۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱)

مضامین محوری	مضامین پایه	مضامین اولیه
شاخص‌های فرهنگی هویت نوجوان	چالش مربوط به اوقات فراغت	محیط‌ها و فعالیت‌های آسیب‌زا (۵، ۶، ۸)
		کمبود مجتمع‌های فرهنگی و تفریحی عمومی (۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰)
		کلاس‌های فوق‌برنامه اجباری و پولی (۳)
		فضای مجازی رهاشده (۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱)

جدول ۳. مسائل اجتماعی حوزه کودک و نوجوان

مضامین محوری	مضامین پایه	مضامین اولیه
شاخص‌های اجتماعی ارتباطی هویت نوجوان	ارتباط با جامعه	ضعف جامعه‌پذیری (۱، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۱)
		ضعف مهارت‌های گروهی (۳، ۶)
		ترس از قضاوت دیگران (۳)
		فردگرایی (۱، ۶، ۱۰)
		ضعف مهارت‌های فرزندپروری (۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰)
	ارتباط با خانواده	عدم درک متقابل (۳، ۵، ۸، ۱۰)
		ضعف در پایبندی به قوانین (۴، ۵، ۹)
		ارتباط با سازمان‌ها و نهادها
	ادراک خود	هویت‌یابی (۴، ۶، ۸، ۹، ۱۰)
		خودمحوری (۴، ۵، ۶)
ارتباط با دوستان و همسالان		
آشنایی کم با مهارت‌های زیست جنسی (۶، ۹، ۱۰)		

مضامین اولیه	مضامین پایه	مضامین محوری
تأثیرپذیری از همسالان (۵، ۸، ۱۰)	ارتباط با دوستان و همسالان	شاخص‌های اجتماعی ارتباطی هویت نوجوان
عدم تعادل بین روابط اجتماعی واقعی و مجازی (۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)	ارتباط با فضای مجازی	

در حوزه «باورها و اعتقادات»، «ضعف در باورهای تمدنی و ملی» یکی از چالش‌های شناسایی شده است که حداقل چهار نفر از کارشناسان به آن اشاره کرده‌اند. از جمله مصاحبه‌شونده سه به این مورد اشاره می‌کند:

«مثلاً در خانواده‌ها کدام یک دکور میدان آزادی دارند، اما در خانه‌شان صلیب می‌خرند و می‌اندازند و می‌گویند آخه خوشگله و می‌اندازند».

در زمینه «باورهای دینی و مذهبی»، هشت نفر از مصاحبه‌شوندگان تضعیف این بعد از باورها را تأیید کرده‌اند. برای نمونه مصاحبه‌شونده سه و چهار در این مورد می‌گویند: «بحران معنویت، بازگشت به خویشتن است و حس به تمایل به ترمیم و فردی که بتوان به او اتکا کرد و وجود کاملی که بتوان به آن اعتقاد داشت».

«در بحث باطنی اعتقادات و دین خود را دارند؛ ولی در ظاهر نشان نمی‌دهد».

این یافته‌ها نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین چالش‌های فرهنگی کودکان و نوجوانان، ضعف باورهای دینی و مذهبی است.

کودکان با ورود به دوره نوجوانی و افزایش میل به استقلال، بسیاری از آن‌ها از چهارچوب اعتقادی خانواده خارج شده و به سمت باورهای ضد دینی سوق پیدا می‌کنند. در این میان، رسانه‌ها و تبلیغ سبک زندگی غربی نیز نقش چشمگیری در تقویت این گرایش‌ها دارند. این شرایط، موجب نگرانی والدین و متولیان تربیتی شده است (ابراهیمی کیپایی و عامریان، ۱۳۹۹: ۱۰۶). در مواردی نیز، والدین و مربیانی که خود از اصول تربیتی آگاهی کافی ندارند، با رفتارهای نادرست به تضعیف باورهای فرزندان خود دامن می‌زنند.

یکی دیگر از چالش‌های شناسایی شده در حوزه مسائل فرهنگی، «کاهش امید به آینده در میان نوجوانان» است. این گروه سنی به دلیل تأثیرپذیری از سبک زندگی اینفلوئنسرها و مشکلات ناشی از فضای مجازی، اغلب بدون برنامه و ایده‌ای مشخص برای آینده زندگی می‌کنند و تصمیمات خود را بیشتر بر مبنای لذت آنی اتخاذ می‌کنند. چند نمونه از جملاتی که بیانگر این مسئله است:

مصاحبه‌شونده شماره پنج در این باره می‌گوید:

«الان مسئله مهاجرت را می‌بینیم که بچه‌ها به دلیل اینکه هیچ امیدی به آینده ندارند به فکر مهاجرت هستند»

مصاحبه‌شونده شماره هشت و ده نیز به ترتیب می‌گویند:

«یکی از چالش‌های جدی برای نوجوانان در زمینه فرهنگ و اجتماعی، موضوع آینده است که برایشان یا مبهم است یا نامطلوب و سیاه است و باعث میشه احساس رضایت نداشته باشد».

«بچه‌ها می‌گویند به چه امیدی درس بخوانم؟ به چه امیدی به آینده فکر کنیم و بریم مهندسی بخونم؟»

در زمینه پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نوجوانان، کاهش التزام به این ارزش‌ها است که عمدتاً در دو حوزه ملی و مذهبی نمود پیدا می‌کند. این عدم پایبندی، در مواردی مانند حجاب و سبک پوشش دختران و پسران قابل مشاهده است، اما جنبه‌های دیگر آن شامل گرایش به رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و روابط اجتماعی غیرمعارف نیز به چشم می‌خورد.

یکی از ارزش‌های اساسی در دیدگاه‌های دینی و اسلامی، اندیشه‌ورزی و تفکر است که به دلایل مختلف، نوجوانان امروز کمتر به آن توجه می‌کنند. این کمبود، زمینه‌ساز بروز مشکلات متعدد در ابعاد فرهنگی و اجتماعی شده است. در این سن، نیاز به دیده شدن یکی از ویژگی‌های بارز نوجوانان است که این نیاز در سبک پوشش و رفتار آن‌ها منعکس می‌شود. با درک این ویژگی، می‌توان موضوعاتی مانند استفاده از فرم‌های واحد در مدارس را که گاه با روحیات و نیازهای نوجوانان ناسازگار است، مورد ارزیابی قرار داد. در این راستا، مسائل مالی و اقتصادی نیز قابل توجه است؛ به‌ویژه در مناطق محروم، خانواده‌ها توان تأمین هزینه فرم‌های واحد را ندارند و این امر به چالشی جدی تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، در مناطقی که پوشش‌های محلی رواج دارند، اصرار بر فرم واحد می‌تواند موجب تضعیف هویت قومی و فرهنگی شود یا پوشش‌هایی معرفی شود که با فرهنگ و سنت‌های محلی در تضاد است. این مسائل، به‌طور غیرمستقیم، از عوامل تضعیف فرهنگ ملی در نسل‌های آینده محسوب می‌شوند.

یکی دیگر از چالش‌های مرتبط با رفتار و پوشش نوجوانان، الگوبرداری آن‌ها از رسانه‌ها و جامعه است. این الگوبرداری اغلب از گروه‌هایی صورت می‌گیرد که رفتار و پوشش آن‌ها با فرهنگ ایرانی- اسلامی همخوانی ندارد. در این میان، نقش سلبریتی‌ها

به‌عنوان الگوهای اجتماعی برجسته است. نوجوانان برای جلوگیری از طرد شدن توسط همسالان خود، به سمت رفتارها و سبک پوشش سلبریتی‌ها گرایش پیدا می‌کنند. چند نمونه از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان شامل موارد زیر است:

مصاحبه‌شونده سه بیان می‌کند:

«اصلی‌ترین مسئله بحث، ظاهر بچه‌ها هست که دوست دارند هم رنگ جماعت باشند».

مصاحبه‌شونده ده نیز در این خصوص می‌گوید:

«بچه‌ها از سلنا گومز و برد پیت و خواننده‌ها دارند الگوبرداری می‌کند. ساسی مانکن و بی‌تی اس و ... مجاورت را باید درست کنیم».

این مسئله به ماهیت فناوری‌های ارتباطی باز می‌گردد که تمرکز رسانه‌ها از متن محوری به تصویرمحوری تغییر یافته است. در این فضای تصویرمحور، کسانی تأثیرگذارتر هستند که تصویرسازی بهتری از خود ارائه دهند. سلبریتی‌ها، با بهره‌گیری از دسترسی گسترده به شبکه‌های اجتماعی، شهرت و جذابیت شخصیتی توانسته‌اند نفوذ زیادی بر سبک زندگی و نگرش نوجوانان داشته باشند.

براساس پژوهش‌ها، مرجعیت فکری سلبریتی‌ها بیش از گذشته گسترش یافته است؛ مرجعیتی که در فقدان سیاست‌گذاری‌های مؤثر فرهنگی، نوجوانان را به‌طور روزافزون تحت تأثیر رفتار و نگرش این گروه قرار داده و کنش‌های اجتماعی آن‌ها را در فضای مجازی محصور کرده است (چاووشی، ۱۴۰۲)

با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و جمع‌بندی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، چالش‌ها و مسائل فرهنگی نوجوانان در ایران به‌ترتیب اولویت به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند: ضعف باورهای مذهبی و دینی، عدم پایبندی به ارزش‌ها، الگوبرداری از رسانه‌ها و فرهنگ بیگانه و الگوبرداری از جامعه و همسالان. سایر مسائل نظیر ضعف باورهای ملی، کاهش امید به آینده، عدم توجه به تفکر و اندیشه‌ورزی و عدم تطابق پوشش با روایات نوجوانی در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

اوقات فراغت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی، موضوعی است که اکثر خانواده‌ها و نوجوانان با آن درگیر هستند. این بازه زمانی آزاد، چه با برنامه‌ریزی و چه بدون آن، نقشی حیاتی در تربیت و آینده کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. بر همین اساس، موضوع اوقات فراغت به‌صورت مجزا در مصاحبه‌ها بررسی شد و دیدگاه‌های کارشناسان در این زمینه جمع‌آوری شد.

کارشناس ده معتقد است:

«بعد از ظهرها و این برهه زمانی جای بحران زندگی نوجوان است. کسی که بیکار است، ذهنش مستعد زندگی شیطانی است.»

کارشناس نه به زبان دیگری به این موضوع اشاره می‌کند:

«متأسفانه محیط سالمی هم ندارند که بتوانند بچه‌ها حداقل رشد جسمانی خود را داشته باشند.»

در حوزه اوقات فراغت، کودکان و نوجوانانی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند با چالش‌ها و شرایط متفاوتی مواجه هستند. در مناطق کم‌برخوردار، مهم‌ترین مشکلات ناشی از محیط‌های نامساعد است؛ به طوری که این محیط‌ها، محل بازی و رفت‌وآمد کودکان را تحت الشعاع قرار می‌دهند. وجود ناهنجاری‌های رفتاری نظیر حضور افراد معتاد، گفتمان‌های نامناسب، خریدوفروش مواد مخدر و سرقت از جمله چالش‌هایی است که کودکان در این مناطق تجربه می‌کنند. این شرایط منجر به آشنایی کودکان با جرائم از سنین بسیار پایین، حتی از سه سالگی، می‌شود. در کنار این معضلات، نبود امکانات و مراکز فرهنگی و تفریحی عمومی که بتوانند برنامه‌های جذاب و سالم برای کودکان و نوجوانان ارائه کنند، بر شدت این چالش‌ها می‌افزاید.

در مناطق جرم‌خیز، کودکان و نوجوانان پس از ساعات مدرسه اغلب در کوچه و خیابان بدون نظارت رها می‌شوند. هرچند این تعاملات با همسالان ممکن است به رشد اجتماعی آن‌ها کمک کند، اما از منظر فرهنگی پیامدهای مخربی دارد. این کودکان در سنین پایین با پدیده‌هایی نظیر استعمال دخانیات، خریدوفروش مواد مخدر و روابط ناسالم آشنا می‌شوند که برای سن آن‌ها کاملاً نامناسب است.

نکته قابل توجه این است که معضل مصرف مواد مخدر تنها به مناطق کم‌برخوردار محدود نمی‌شود؛ این چالش در مناطق مرفه و حتی در محله‌های با وضعیت اقتصادی متوسط نیز مشاهده می‌شود. با این حال، دلایل گرایش به مواد مخدر در این مناطق متفاوت است. در مناطق مرفه، دوستان ناباب و فضای رسانه‌ای به‌عنوان عوامل اصلی تشدیدکننده مطرح می‌شوند، در صورتی که در مناطق کم‌برخوردار، بی‌توجهی والدین، محیط ناسالم و تأثیرات فضای رسانه‌ای به‌طور هم‌زمان بر این گرایش اثرگذار هستند؛ بنابراین، با توجه به تأثیر عمیق اوقات فراغت بر رشد فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، ضرورت برنامه‌ریزی مؤثر برای بهبود کیفیت این بازه زمانی و رفع چالش‌های مذکور بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

اوقات فراغت نوجوانان، به‌ویژه در شرایطی که بدون برنامه‌ریزی مناسب رها می‌شوند، می‌تواند بستری برای انحرافات اجتماعی و فرهنگی باشد. نوجوانانی که بعد از ساعات مدرسه بدون هدایت و نظارت رها می‌شوند، چه در مناطق مرفه و چه در مناطق محروم، در معرض خطراتی قرار می‌گیرند که ممکن است از فضای مجازی تا محیط‌های نامساعد حقیقی را شامل شود. این وضعیت بر تربیت، ارزش‌ها و باورهای آن‌ها تأثیر منفی خواهد داشت.

در این زمینه، آموزه‌های دینی نیز هشداردهنده هستند. امام محمدباقر (ع) در حدیثی اشاره دارند که یکی از موقعیت‌هایی که شیطان بیشترین اثرگذاری را بر انسان دارد، زمانی است که فرد تنها و بی‌کار است:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ أَشَدَّ مَا يُؤْمُّ بِالْإِنْسَانِ حِينَ يَكُونُ وَحْدَهُ خَالِيًا»

(شیطان بیشترین تمرکز خود را بر انسان می‌گذارد هنگامی که او تنها و بی‌کار باشد).

عدم وجود محیط‌های سالم و مناسب برای گذران اوقات فراغت، مهم‌ترین چالش در این حوزه است. نوجوانانی که بعد از مدرسه رها می‌شوند، بسته به موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی خانواده، با شرایط متفاوتی مواجه می‌شوند:

- در مناطق مرفه شهری، نوجوانان ممکن است ساعات زیادی را در کافه‌ها، مراکز خرید و با دوستان دختر و پسر خود بگذرانند. این محیط‌ها اغلب فاقد شرایط تربیتی و فرهنگی مناسب هستند و می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای آسیب‌زا باشند.
- در مناطق محروم، کوچه‌ها و خیابان‌ها به محل تجمع و سرگرمی نوجوانان تبدیل می‌شوند. این فضاها نیز به دلیل وجود ناهنجاری‌هایی همچون رفتارهای نامناسب، خطر آشنایی زودهنگام با مواد مخدر و روابط ناسالم را به همراه دارند. این شرایط، بدون شک، اثرات اجتماعی و فرهنگی منفی قابل‌توجهی بر نوجوانان و جامعه خواهد داشت.

یکی از دلایل اصلی بروز چنین چالش‌هایی، نبود امکانات عمومی فرهنگی و تفریحی در دسترس برای همه اقشار جامعه است. مراکز فرهنگی و تفریحی موجود، عمدتاً توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند و هزینه‌های بالای آن‌ها مانع دسترسی خانواده‌های با درآمد متوسط و پایین به این امکانات می‌شود. این امر، کودکان و نوجوانان طبقات محروم را در شرایط دشوارتری قرار می‌دهد. حتی در مناطقی که پارک‌ها یا امکانات عمومی وجود دارد، این فضاها غالباً غیرفعال هستند یا به‌درستی مدیریت نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که می‌تواند با شعبه‌های متعدد و ظرفیت‌های موجود خود خدمات متنوعی ارائه دهد، به دلیل کمبود بودجه به‌درستی مورد بهره‌برداری

قرار نمی‌گیرد و گاهی زیان‌ده است. امکاناتی مانند سینماهای وابسته به این کانون‌ها نیز به‌ندرت استفاده می‌شوند و فرصت‌های پرورش فرهنگی نوجوانان را از بین می‌برند. مشکل کمبود مراکز فرهنگی و تفریحی برای دختران، بیش از پسران احساس می‌شود. دختران به فضایی نیاز دارند که فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تفریحی متناسب با روحیات و نیازهای آن‌ها را ارائه دهد. نبود چنین محیط‌هایی، دختران را به‌ویژه در سنین نوجوانی به سمت رفتارهای جبرانی و تلاش برای دیده شدن در فضای جامعه سوق می‌دهد.

میل به دیده شدن، یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوانان است. اگر این نیاز به‌درستی مدیریت نشود، ممکن است در قالب رفتارهای ناپسند و خودنمایی منفی بروز کند. ایجاد محیط‌هایی که استعدادها و توانایی‌های نوجوانان را به‌صورت مثبت تقویت کند و به آن‌ها امکان مرئی شدن سالم را بدهد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اوقات فراغت، یکی از مؤلفه‌های مهم در زندگی کودکان و نوجوانان است که می‌تواند بستری برای رشد شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی آنان فراهم کند؛ اما در بسیاری از موارد، برنامه‌ریزی نامناسب یا فقدان امکانات کافی، این زمان را به یک چالش اساسی تبدیل کرده است. بسیاری از کودکان و نوجوانان به‌دلیل فشار والدین و جامعه، مجبور به شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه متعددی همچون زبان، موسیقی و سایر فعالیت‌های آموزشی هستند. این برنامه‌ریزی گاه بدون در نظر گرفتن علایق و استعدادهای فردی آنان انجام می‌شود. والدین غالباً نظر فرزندان خود را جویا نمی‌شوند و کلاس‌ها را صرفاً براساس تصور خود از موفقیت و پیشرفت انتخاب می‌کنند.

چنین وضعیتی می‌تواند در آینده به دل‌زدگی، فرسودگی و کاهش انگیزه نوجوانان برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی یا فرهنگی منجر شود. علاوه‌بر این، در صورتی که نوجوانان این کلاس‌ها را به‌دلیل عدم علاقه ترک کنند، ممکن است اوقات فراغت خود را صرف فعالیت‌های آسیب‌زا یا حتی خلاف کنند. یکی از مسائل جدی در بحث اوقات فراغت کودکان و نوجوانان، گسترش استفاده از فضای مجازی است. به‌ویژه پس از دوران کرونا و افزایش دسترسی کودکان به دستگاه‌های هوشمند، این موضوع به یک چالش اساسی تبدیل شده است. بسیاری از والدین بدون دانش کافی در زمینه فضای مجازی، تلفن‌های همراه را بدون هیچ محدودیتی در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند.

کارشناس ده در این خصوص می‌گوید:

«نوجوان ما بیکار است و در این بیکاری در یوتیوب و سرورهای مختلف و در فضای

رسانه چک می‌کند».

در مواردی نیز والدین به‌طور عمدی از این ابزارها برای سرگرم کردن فرزندان و کسب زمان فراغت برای خود استفاده می‌کنند. این رفتار باعث می‌شود کودکان و نوجوانان بدون نظارت و راهنمایی لازم به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی دسترسی پیدا کنند. نتیجه چنین روندی، مواجهه با محتوای نامناسب، برقراری دوستی‌های مجازی آسیب‌زا و درنهایت افزایش احتمال بروز ناهنجاری‌های رفتاری است.

یکی دیگر از چالش‌های اساسی در حوزه اوقات فراغت، کمبود فضاهای عمومی فرهنگی و تفریحی است. بسیاری از این فضاها توسط بخش خصوصی مدیریت می‌شوند و هزینه‌های بالای استفاده از آن‌ها، اقشار کم‌درآمد و حتی طبقه متوسط را از بهره‌مندی از این امکانات محروم می‌کند.

علاوه‌بر کمبود امکانات، ناسالم بودن برخی محیط‌ها نیز مشکل‌آفرین است. در محله‌های محروم، نبود فضاهای تفریحی و فرهنگی کافی، نوجوانان را مجبور به گذراندن زمان خود در خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌کند که این امر با ناهنجاری‌های محیطی مانند بزهکاری و رفتارهای آسیب‌زا همراه است. براساس جمع‌بندی نظرات و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، می‌توان چالش‌های اوقات فراغت را به‌ترتیب زیر اولویت‌بندی کرد:

۱. فضای مجازی و نفوذ رسانه‌ها: کودکان و نوجوانانی که زمان آزاد خود را به بازی‌های رایانه‌ای، اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی اختصاص می‌دهند، عملاً از تربیت والدین، مدرسه و جامعه فاصله گرفته و تحت تأثیر مستقیم رسانه‌ها قرار می‌گیرند.

۲. کمبود فضاهای فرهنگی و تفریحی عمومی: اکثر امکانات موجود به‌صورت خصوصی و پولی اداره می‌شوند و دسترسی به آن‌ها برای اقشار کم‌درآمد دشوار است.

۳. عدم توجه به علایق و استعدادها: والدین و مربیان غالباً بدون در نظر گرفتن استعدادها و علاقه‌مندی‌های کودکان و نوجوانان، برنامه‌های اوقات فراغت آن‌ها را طراحی می‌کنند.

۴. ناسالم بودن محیط‌های موجود: با بهبود زیرساخت‌های فرهنگی و بازسازی محله‌های محروم، می‌توان تا حدودی از اثرات منفی این عامل کاست.

یکی دیگر از مضامین محوری در این پژوهش مسائل اجتماعی است. مسائل و مشکلات اجتماعی، مرتبط با نوع رابطه‌ای است که کودک و نوجوان با اطرافیان و همچنین مهارت ادراک خود برقرار می‌کند؛ بنابراین با توجه به نوع تعاملات کودک و نوجوان، می‌توان شش دسته تعامل را برای او تعریف کرد که به‌ترتیب در هرکدام از این نوع ارتباطات، کد مصاحبه‌شونده‌ها و کدهای دریافت‌شده در جدول شماره یک به‌صورت خلاصه بیان شده است.

طبق اطلاعات بیان شده در جدول، چالش عمده نوجوانان در ارتباط با جامعه، در سه دسته عمده جامعه‌پذیری، فقدان مهارت فعالیت گروهی و ترس از قضاوت دیگران بیان شده است. بحث جامعه‌پذیری مشکلی است که اشاره به نوع پذیرش و مقبولیت افراد جامعه برای نوجوانان است. مهارت در برقراری ارتباط و توان بیان خواسته‌های خود از جمله این‌گونه چالش‌ها است. حتی یکی از مشاوران حوزه کودک و نوجوان آقای کوچک‌زائی بیان می‌کند، صد درصد نوجوانان، مشکل جامعه‌پذیری دارند. اگرچه این ادعا ممکن است کمی فراتر از واقع جلوه کند؛ ولی مشکلی اساسی در ارتباطات نوجوانان هست. همچنین دو نفر از مصاحبه‌شونده‌ها که معلم مدارس هستند (آقای حق پناه و خانم بیگدلی) اظهار داشتند که بچه‌ها توان انجام کارگروهی را ندارند و نمی‌توانند با یکدیگر به تقسیم وظایف و انجام کار مشترک بپردازند و زیاد اتفاق می‌افتد از هم شکایت کرده و نمی‌توانند همدیگر را اقناع یا از یک رهبر در گروه پیروی کنند.

ربانی (۱۴۰۲) درباره مهارت‌های اجتماعی این نسل بیان می‌کند که این نسل به دلیل تمرکز بر رسانه‌های سریع مجازی، دامنه توجه کمتر و توانایی‌های کلامی پایین‌تری دارند. از این رو، یکی از دلایل مهارت‌های اجتماعی پایین آن‌ها، توانایی کلامی محدود اوست. استفاده زیاد از فضای مجازی و غرق شدن در دنیای اینترنت، باعث شده است، این نسل تنهاترین نسل بشر از نگاه روان‌شناسان شناخته شود. استفاده افراطی از شبکه‌های مجازی و دوستی‌های دیجیتالی به جای دنیای واقعی، باعث کاهش روابط اجتماعی در جهان واقعی و در نتیجه، افسردگی این نسل شده است. نتیجه تمام این رفتارها و نوع تربیت خانواده موجب شده است که در ارتباط با جامعه، ترس از قضاوت دیگران را داشته باشند که چالشی در روابط نوجوان با جامعه است؛ چراکه از ترس قضاوت دیگران، یک‌سری باورها و ارزش‌ها را به نمایش نمی‌گذارد تا از طرف جامعه تمسخر و طرد نشود. باید و آدومثلاً (۲۰۲۱) نیز در تحقیقات به این نتیجه اشاره می‌کنند که یکی از چالش‌های نوجوانان در بعد اجتماعی، ترس از طرد شدن توسط همسالان‌شان هست و همچنین عدم جذابیت توسط جنس مخالف از دیگر چالش‌هایی است که نوجوانان با آن مواجه هستند.

کارشناس سه و نه در این خصوص به ترتیب می‌گویند:

«می‌بینیم که از یک رهبر پیروی نمی‌کنند و همسو با گروه عمل نمی‌کنند».

«دوست‌یابی‌های نامناسب سن و در سنین بسیار پایین اتفاق می‌افتد»

یکی دیگر از چالش‌های عمده در مسائل اجتماعی نوجوان، ارتباط با خانواده است.

آنچه در سطح اغلب خانواده‌ها شاهد آن هستیم؛ با ورود فضاهای مجازی به دنیای کودک و نوجوان، آنان ارتباط کمتری با اعضای خانواده برقرار می‌کنند. اگر چند سال پیش، افراد خانواده در کنار یکدیگر جمع می‌شدند و فیلم‌ها و سریال‌هایی را دنبال می‌کردند، امروزه با ورود فضای مجازی با مظاهر متنوع آن، نوجوانان کمتر این وقت را با خانواده خود می‌گذرانند و حتی گاهی اوقات ترجیح می‌دهند غذای خود را نیز به صورت انفرادی یا با دوستانشان در خارج از منزل بخورند؛ بنابراین این مسائل موجب کاهش ارتباطات خانوادگی شده است که ثمره این ضعف ارتباطی، طبیعتاً عدم توانایی درک متقابل والدین و فرزندان است. همچنین با پیچیده شدن دنیای کنونی و ظهور فناوری‌های نوین، مهارت‌های فرزندپروری به نسبت گذشته پیچیده‌تر، ظریف‌تر و سخت‌تر شده است. پس لازم است برای هر دو طرف والدین و فرزندان، چاره‌ای اندیشیده شود. خانواده انتظارات خود را دارد و عدم درک متقابل موجب می‌شود که درکی از انتظارات و علایق و روحیات نوجوان نداشته باشد و همین مسئله به مشکلات بین این دو دامن می‌زند.

کارشناس شش در این خصوص می‌گوید:

«کم‌رنگ شدن هویت خانوادگی و فرهنگ خانوادگی از قومیت و الان فرهنگ خانوادگی و اصالت خانوادگی کم شده است.»

مطالعات میدانی ربانی (۱۴۰۲) نیز نشان داده که ارزش خانواده در نسل جدید تضعیف شده است. در نسل‌های پیشین، همیشه خانواده بیشترین ارزش را داشته، امام برای نسل جدید، این ارزش به شکل معناداری کاهش یافته و به جای آن، ارزش دوستان افزایش و در واقع، ارزشی معادل خانواده یافته است و از این رو، هویت خانوادگی آن‌ها جایش را به دوستان و هم‌تایان داده است که از معیارهای متفاوتی همچون گروه‌های هم‌عقیده، گروه‌هایی با یک سرگرمی خاص، بازی، گروه‌های کاری و... تشکیل شده است. آنچه سبب چنین وضعیتی در جامعه و نسل نوجوان شده است، همان مهارت‌های فرزندپروری است که دچار نقص‌های جدی است. والدینی که صبح تا شب سرکار هستند یا در فضای مجازی سپری می‌کنند؛ زمان کمتری را صرف ارتباط با فرزند خود می‌کنند. از این رو، نمی‌توانند کودک و نوجوان خود را بشناسند و با آن‌ها زمانی را سپری کنند. در نتیجه فرزندان که نیازمند محبت هستند، این محبت و ارتباط را در خانواده دریافت نمی‌کنند و به بسترهای دیگر جهت رفع نیازهای عاطفی خود پناه می‌برند.

بعد از خانواده، یکی از مهم‌ترین مراکزی که کودکان و نوجوانان با آن در ارتباط هستند، سازمان‌ها و نهادهای مختلف از جمله مدارس به‌عنوان خانه دوم آن‌ها است. سازمان‌ها و

نهادهای مختلفی که در سطح جامعه فعالیت می‌کنند با سازوکار و قوانینی اداره می‌شوند و با پیاده‌سازی قوانین و سیاست‌ها، سعی در بالا بردن توانایی‌ها و مهارت‌های کودکان و نوجوانان دارند. مسئله‌ای که در این نوع ارتباط موجب چالش می‌شود، نوجوانان تمایل زیادی به پایبند بودن نسبت به قوانین سازمان‌ها ندارند؛ مخصوصاً با پروپاگاندا^۱ رسانه‌ای علیه بسیاری از قوانین رسمی، آنان که به دنبال هیجان و تخلیه آن هستند؛ بنابراین، با زیر پا گذاشتن قوانین، سعی در نشان دادن جسارت و تخلیه هیجانات خود دارند. این مسئله، می‌تواند از سطح مدرسه فراتر رفته و به سطح سایر سازمان‌هایی که نوجوانان با آن در ارتباط هستند، تسری پیدا کند و شاهد نوجوانان هنجارشکنی هستیم که تحت تأثیر پیام‌های مختلف سعی در بروز جسارت و شجاعت خود دارند.

یکی دیگر از ابعاد ارتباطی انسان در بعد اجتماعی، ادراکی است که کودک و نوجوان از خود دارد و موجب شکل‌گیری یک هویت یکپارچه برای نوجوان می‌شود. مشکل کودکان و نوجوانان عصر حاضر، عدم تعریف هویتی یکپارچه است که به بحران هویت در آن‌ها منجر شده است. آن‌ها شناختی از خود، استعدادها و حتی جنسیت خود ندارند و بدین صورت، نمی‌توانند رابطه خود را با جامعه و دیگران تعریف کنند. ما با نوجوانی طرف هستیم که از یک سو خانواده، سلطه ایدئولوژیک خود را به دلایل مختلف از دست داده است، از سوی دیگر فضای مدرن که رسانه‌ها و فضای مجازی مقوم آن هستند (حتی دلیل آن است)، یک فضای چهل‌تیکه هویتی را ایجاد کرده است. ربانی (۱۴۰۲) در بیان هویت، بدین گونه از هویت آنلاین یاد می‌کند که هویتی است، فرد از طریق پروفایل خود ارائه می‌کند و البته هویت نیز یگانه نیست و فرد می‌تواند وابسته به علائق و سلیقه خود در فضاهای مختلف، هویت‌های مختلف داشته باشد. در چنین شرایطی، فرد می‌تواند هویت متفاوتی از هویت سنتی خود در فضای مجازی ارائه کند، هویت‌هایی که برخلاف هویت سنتی، پویا و انتخابی هستند. کمرنگ شدن هویت‌های نسل‌های پیشین در نسل جدید می‌تواند خطری برای ملت‌ها و دولت‌ها باشد، این نسل ممکن است هیچ تقیدی به ملیت، مذهب و... نداشته باشد؛ بنابراین، بحث هویت برای نوجوانان بسیار حیاتی و مهم است و عدم توجه به آن آسیب‌های زیادی در ابعاد گوناگون، متوجه نوجوان و جامعه خواهد کرد که در بحث مسائل روان‌شناسی بیشتر می‌توان به آن‌ها پرداخت.

در ارتباط با شکل‌گیری هویت، خودمحوری نوجوانان که از مشکلات ادراکی آنان است، از دیگر چالش‌هایی که نوجوانان با آن مواجه هستند؛ چراکه با ورود به دوره استقلال‌طلبی و

تربیت خانوادگی فرزندمحور، آن‌ها خود و خواسته‌هایشان را محور تصمیم‌گیری‌ها می‌دانند و حتی به‌گفته‌ی حق‌پناه اهمیت بیش از حد دادن به نوجوانی، خود تبدیل به یک معضل شده است و نوجوان فکر می‌کند کیست! گاهی بیش از حد اهمیت دادن به یک مسئله، خود می‌تواند مشکلات افزون‌تری را ایجاد کند و این مسئله است که ما با نوجوانان داریم.

مصاحبه‌شونده هشت در این خصوص می‌گوید:

«در رابطه با همسالان، قسمتی فردگرایی صورت گرفته و افراد هویتشان آشکار نیست.»

مصاحبه‌شونده یازده نیز در این خصوص معتقد است:

«بچه‌ها برای خودشان هویتی ندارند و در مناطق روستایی و کم برخوردارتر دختران به کارهای خانه مشغول می‌شوند و پسرها به دنبال کار پدران خود می‌روند.»

نوع دیگر ارتباط اجتماعی، ارتباط با گروه دوستان و همسالان است. معمولاً نوجوانان در ارتباط با آنان کم‌ترین مشکل و چالش را دارند؛ ولی در عین حال از آن‌ها اثرپذیرند و می‌توانند الگوهایی برای نوجوان در زمینه باورها و رفتارهایشان باشند و مهم است چه کسانی به‌عنوان دوست با نوجوانان هم‌نشین می‌شوند. از این رو، هنگامی تأثیرپذیری می‌تواند آسیب‌زا بوده و نوجوان را با چالش مواجه کند که دوست نامناسبی در کنار او قرار گیرد و به اصطلاح عامیانه، دوست ناباب می‌تواند نوجوانان را از راه درست منحرف کند. اخوی (۱۴۰۲)، درباره ارتباط نوجوانان با همسالان بیان می‌کند، یکی از مسائل نگران‌کننده درباره نوجوان، تمایل بیش از حد او به دوستان خود است. دوستی‌های صمیمانه اهمیت زیادی در زندگی نوجوانان دارند. یک نوجوان به دوست یا دوستان صمیمی نیاز دارد تا رازهای خود را با آن‌ها مطرح کند و با آن همدردی کنند. نوجوان مایل است بیشتر وقت خود را در گروه همسالان خود بگذرانند؛ در مهمانی‌ها و جشن تولدشان شرکت کرده و پایبندی خود را به دوستی اثبات کند؛ بنابراین بسیار مهم است که با چه کسانی دوستی و رفت‌وآمد می‌کند.

مصاحبه‌شونده پنج در این خصوص معتقد است:

«این مقطع سنی تأثیرپذیری از گروه سنی خود دارند.»

در زمینه دوست‌یابی، یک مسئله و چالش مهم که بسیار فراگیر شده، بحث دوستی با جنس مخالف است. نوع ارتباطات و حد و حدود آن در این رابطه بسیار مهم است؛ چراکه نه تنها از نظر شرعی و دینی، بلکه از لحاظ عرفی و آسیب‌های عاطفی، می‌تواند

بسیار خطرناک و آسیب‌رسان باشد؛ پس عدم درک و آگاهی و مهارت‌های لازم در این زمینه، مسئله‌ای است که نوجوانان عصر حاضر با آن مواجه هستند. این مسئله نه تنها از بعد اجتماعی آن آسیب‌رسان خواهد بود؛ بلکه در بعد فرهنگی نیز مسئله‌ای است که با فرهنگ ایرانی- اسلامی هم‌خوانی ندارد و معضلات فرهنگی مضاعفی را برای جامعه به وجود خواهد آورد که شاهد معضلات آن، در دنیای غرب هستیم.

مصاحبه‌شونده شش در این خصوص معتقد است:

«در مسئله جنسی به دختر و نیازها و آسیب‌هایشان کمتر توجه می‌کنیم و اتفاقاً آن‌ها را در بخشی می‌بینیم که پسرها را گول می‌زنند یا پسرها آن‌ها را گول می‌زنند یا بحث خودارضایی دختران و روابط عاطفی که دارند».

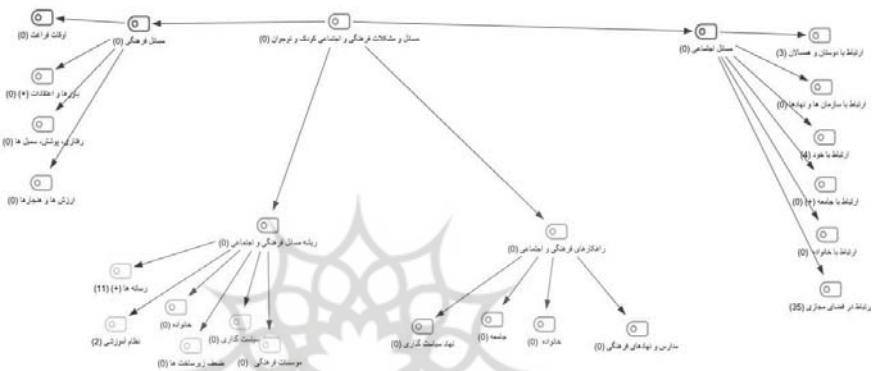
نوع دیگر دوستیابی در ارتباط نوجوان با فضای مجازی است که از جمله چالش‌هایی بود که اغلب مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند و این نشان از اهمیت این موضوع در سطح جامعه و نوجوانان دارد. نسل جدید که با عنوان «بومیان دیجیتال» از آن‌ها یاد می‌شود، نسلی هستند که از ابتدای تولد با اینترنت و رسانه‌های اجتماعی همزیستی داشته و تحت تأثیر همین فناوری جدید، تفاوت‌های بسیاری با نسل‌های پیش از خود پیدا کرده‌اند. با توجه به اینکه این نسل از لحظه تولد، تعامل گسترده‌ای با فناوری‌های جدید ارتباطی دارند، ترجیح می‌دهند همه اطلاعات را از طریق رسانه‌های دیجیتال دریافت کنند و اهمیت کمتری برای رسانه‌های غیر دیجیتال قائل هستند (اسپیرمن و همکاران به نقل از چاووشی، ۱۴۰۲). ارتباطاتی که در سطح مجازی صورت می‌گیرد و اعتماد کاذبی که از روی ناآگاهی نوجوان، در فضای مجازی شکل می‌گیرد؛ آسیب آن در وهله اول برای نوجوان و در مرحله بعد جامعه را درگیر می‌کند. همچنین ارتباطی که گاهی نوجوانان با فضای مجازی به صورت اعتیادگونه دارند، می‌تواند موجب فردگرایی و دور شدن نوجوان از خانواده و جامعه و همسالان شود. گاهی نوع ادبیات گفت‌وگوی آن‌ها برگرفته از همین فضاهای مجازی و گیم‌هایی است که نوجوانان در آن شرکت می‌کنند. آشنا شدن با مفاهیمی که هنوز سن فراگرفتن آن‌ها فراتر رسیده است، از دیگر مشکلاتی است که در اثر ارتباطات مجازی به وجود می‌آید.

کارشناس یک در این خصوص معتقد است:

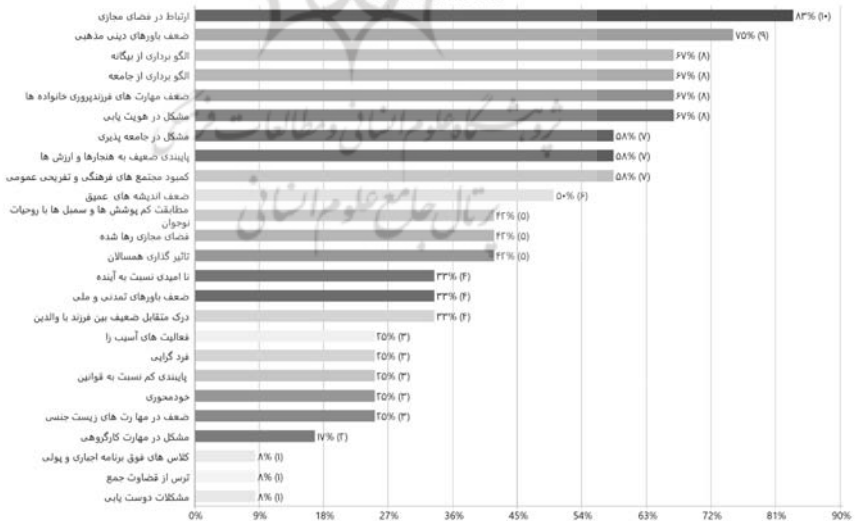
«نوجوانان در زمینه ارتباطات اجتماعی از نسل گذشته تا حدی جلوتر هستند؛ ولی به صورت ظاهری و با شبکه‌های بسیاری در ارتباط‌اند. مقایسه کنیم در نسل گذشته روابط چند نفره داشتند ولی الان شبکه‌های گسترده در شبکه‌های مجازی

بررسی مسائل فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان[...]

و محیط‌های مختلف در ارتباط‌اند که هم حسن است و هم قبیح.»
 با توجه به فراوانی مؤلفه‌ها و کدهای مطرح‌شده در زمینه مسائل اجتماعی و همچنین جمع‌بندی مصاحبه‌ها با کارشناسان، اولویت اول را می‌توان به ارتباط نوجوان در فضاهای مجازی داد. سپس ارتباط والدین با فرزندان و عدم مهارت‌های فرزندپروری بیان می‌شود. همچنین مشکلات جامعه‌پذیری و بحران هویت از دیگر مسائل اساسی در بحث مسائل اجتماعی است که توجه به آن‌ها جهت ریشه‌یابی و حل آن‌ها بسیار ضروری است.



نمودار ۱. خلاصه مسائل و مشکلات کودکان و نوجوانان



نمودار ۲. فراوانی پاسخ‌هایی که درباره مسائل و مشکلات کودکان و نوجوانان در مضامین پایه مطرح شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مصاحبه‌های انجام‌گرفته با جمعی از متخصصان تربیتی و فرهنگی و مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده مسائل و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان در دو حوزه بررسی شد.

در زمینه مسائل و مشکلات فرهنگی، آنچه در خلال مصاحبه دریافت شد، این است که هرکدام از چالش‌هایی که در حوزه کودک و نوجوان علی‌الخصوص در بعد و نمود ظاهری آن مشاهده می‌شود، ریشه در دلایل باطنی دارند و مشکلات ظاهری، به خودی خود مسئله بزرگی نیستند؛ آنچه اهمیت دارد دلایل زیربنایی آن‌ها است که باید به‌عنوان مشکل بیان شود.

در این پژوهش سعی شد، مسائل فرهنگی و اجتماعی به‌صورت جداگانه بررسی شوند. طبق بررسی‌های انجام‌گرفته در حوزه فرهنگی چهار مقوله اصلی، محور مصاحبه‌ها قرار گرفت و در چهار مقوله، کدها دریافت شد. طبق جدول فراوانی و مصاحبه‌های صورت‌گرفته، به‌ترتیب اولویت، ضعف باورهای مذهبی و دینی از بزرگ‌ترین مشکلات فرهنگی نوجوانان که ریشه آن در تربیت خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها است که نتوانسته‌اند نوجوانان را با باورها و اعتقادات مذهبی آشنا کنند. راهکارهای اشتباه و محتوای نادرست و قوانین ناکارآمد از جمله عوامل اثرگذار در این زمینه است. مورد بعد در بحث فرهنگی، به عدم پایبندی نوجوان به ارزش‌ها و هنجارها مرتبط هست. این مسئله نیز ریشه در تربیت خانوادگی و مدارس دارد که ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را برای نوجوانان تبیین نکرده و رسانه‌ها نتوانسته‌اند تولیدات خوبی در این زمینه داشته باشند.

مشکلی که در اولویت سوم مسائل فرهنگی بدان دست یافتیم؛ بحث الگوبرداری کودکان و نوجوانان از جامعه و رسانه‌ها و سبک زندگی بیگانه است. کودکان هر آنچه از طریق رسانه‌ها عرضه می‌شود، می‌بینند و می‌شنوند و به راحتی می‌توانند الگوبرداری کنند. علت این مسئله، گاهی اوقات به ضعف عزت‌نفس و عدم اطمینان به خود بر می‌گردد. این امر در عوامل بسیاری ریشه دارد که رسانه و والدین مهم‌ترین آن‌ها هستند. والدین از طریق مقایسه توانمندی‌های خود با سایر کشورها در مقابل چشم و گوش فرزند و مقایسه فرزندش با فرزند دیگر، ریشه‌های عدم عزت‌نفس و تضعیف فرهنگ خودی را به وجود می‌آورند؛ بنابراین نوجوانان مدینه فاضله آرمانی خود را در فرهنگ و تمدنی دیگر جست‌وجو می‌کنند و امید خود را به زندگی و آینده از دست می‌دهند. در کنار الگوبرداری از رسانه‌ها و سبک زندگی‌های ارائه‌شده در جامعه و سلبریتی‌ها، بحث دیده شدن و میل

به مرئی شدن نوجوانان مطرح می‌شود. عدم تطابق پوشش رایج در سازمان‌ها با روحیات نوجوان که به‌صورت فرم مدارس به آن‌ها عرضه می‌شود و لازم است تجدیدنظر نسبت به پوشش مطابق به نیازها و البته مطابق با فرهنگ ایرانی- اسلامی صورت گیرد. عدم امید به آینده از دیگر مسائلی است که نوجوانان با آن درگیر هستند. این مسئله برمی‌گردد به بیان مسائل سیاسی و اقتصادی در پیش چشم فرزند توسط والدین و یا عدم رضایت از شرایط فعلی توسط والدین که به فرزند نیز منتقل می‌شود و او را نسبت به آینده بدبین و ناامید می‌سازد. عدم وجود اندیشه‌های عمیق نیز از دیگر مواردی است که ریشه آن به رسانه‌ها و کارکرد منفعلانه آنان بازمی‌گردد. یا محتوای درسی که مشوق فکر و تحلیل و مراحل بالای حوزه شناختی در دانش‌آموزان نیستند و آن‌ها به‌جای آنکه کنشگر باشند، کاملاً منفعلانه در برابر محتواهای ارائه‌شده هستند. در حوزه اوقات فراغت که یکی از چالش‌های اساسی، مخصوصاً در دوره نوجوانی است؛ اصلی‌ترین مسئله، فضاهای مجازی و رسانه‌ها هستند که قسمت اعظم وقت کودک و نوجوان را گرفته‌اند و می‌تواند باعث دریافت ارزش‌های مغایر با فرهنگ ملی- دینی شود. عدم وجود مجموعه‌های تفریحی و فرهنگی عمومی که برنامه‌های متنوعی برای کودکان جهت گذران اوقات فراغت داشته باشند، از دیگر مسائلی است که می‌تواند آنان را به سمت فضاهای مجازی هدایت کند. اوقات فراغت نوجوانان در عصرها نباید به حال خود رها شوند و باید برای آن‌ها طرح و برنامه‌ای ریخته شود وگرنه همین مسئله باعث ایجاد ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری متعددی خواهد شد که دامان نوجوان و خانواده‌ها را خواهد گرفت. در این زمینه، لازم است مراکز فرهنگی فعال در حوزه کودک و نوجوان نگاه اقتصادمحور تدریجی نداشته باشند و سعی کنند یک کار مداوم، خوب و دلسوزانه برای کودک و نوجوان پیش بگیرند، نه اینکه تنها به فکر انتفاع مالی از این مسئله باشند. در این زمینه، لازم است دولت حمایت مالی لازم را از این مجموعه‌ها به عمل آورد و بودجه و امکانات کافی را از طریق بخش خصوصی برای این مجموعه‌ها تأمین کند.

درزمینه «مسائل اجتماعی» نیز در شش حوزه ارتباطی مسائل و مشکلات کودک و نوجوان قابل طرح است. رابطه او با جامعه، خانواده، سازمان‌ها و نهادها، همسالان، خود و فضای مجازی.

بیشترین چالش نوجوانان، در ارتباط آن‌ها با فضاهای مجازی و رسانه‌ها است. رسانه از جهت انتقال مفاهیم و فرهنگ از یک‌سو و ارتباط با افرادی به‌صورت مجازی از جهتی دیگر بر رفتار، گفتار و کردار کودکان و نوجوانان اثر می‌گذارد. بعد از فضای مجازی،

ارتباط با خانواده مطرح می‌شود و عدم مهارت‌های فرزندپروری و درک متقابل است که می‌تواند آسیب‌زا باشد. فرزندپروری و تربیت نامناسب اجتماعی کودک و نوجوان به سمت دوستی‌های نامناسب به‌منظور کسب محبت می‌کشاند و حرف و عمل افرادی که محبت می‌کنند، برایش الگو خواهد بود و ضمن این نوع ارتباطات، هویت اجتماعی و جنسیتی نوجوانان شکل می‌گیرد.

هویت از مهم‌ترین مسائلی است که نوجوانان با آن مواجه هستند. تأثیر رسانه‌ها در این زمینه بسیار زیاد است. نوجوان امروزی نمی‌تواند خود و توانایی‌هایش را بشناسد و جامعه و خانواده به‌دلیل عدم شناخت نوجوان و نیازهای وی، کمکی به این شناخت نمی‌کنند. هویت جنسیتی به‌خاطر روابط خانوادگی ضعیف، رسانه‌ها و محتوای درسی جنسیت‌زده دچار مشکل شده است. او تعریفی از خود به‌عنوان دختر یا پسر ندارد. درحالی‌که هویت و شناخت خود کمک می‌کند بتواند روابط خود را با اطرافیان تنظیم کند و زندگی سالم‌تری را داشته باشد.

با توجه به اولویت‌هایی که در بحث‌های فرهنگی و اجتماعی بیان شد، لازم است در درجه اول نهاد سیاست‌گذاری با تخصیص بودجه کافی جهت راه‌اندازی مراکز فرهنگی و تفریحی عمومی در تمام سطوح شهر و حمایت جهت برگزاری رویدادهای فرهنگی کارآمد و جذاب داشته باشد و کودکان و نوجوانان را به سمت این برنامه‌ها جذب نماید. همچنین تخصیص بودجه کافی جهت آگاه‌سازی و آموزش والدین و افراد جامعه به منظور ارتقای فرهنگ عمومی، گام مهمی است که باید در اولویت مسائل قرار گیرد. در زمینه قانون‌گذاری نیز لازم است قوانینی وضع شوند که ضمانت اجرایی لازم را داشته باشند. این امر با هماهنگی و مشورت متخصصان فرهنگی کشور انجام‌پذیر است.

مرحله بعد وظیفه و مسئولیت خود خانواده‌ها است که سعی در بالا بردن سواد تربیتی و فناوری خود داشته باشند و قسمتی از این امر را مؤسسات و نهادهای حاکمیت انجام می‌دهند و بخشی هم توسط مدارس و خود والدین باید صورت گیرد تا با رشد سواد آنان، شکاف نسلی کمتر شده و درک متقابل بین والدین و فرزندان اتفاق بیافتد؛ بنابراین با توجه به تمام مطالب بیان‌شده لازم است تمامی ارکان جامعه تلاش کنند با حمایت از فرهنگ داخلی، مانع نفوذ فرهنگ بیگانه شوند و همچنین با توجه به حساسیت و روحیات نوجوانان، با شناخت روحیات، حس ارزشمندی را در آن‌ها رشد داده و خود نیز پایه‌ی آنان رشد کنند.

در پایان لازم به ذکر است که نتایج به‌دست‌آمده نشان داد، بین کودک و نوجوان در مسائل فرهنگی و اجتماعی از نظر مرحله رشدی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ چراکه کودکان اغلب تأثیرپذیر

از خانواده هستند و ناسازگاری کمتری دارند و از این رو نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای خانواده مطیع‌تر هستند؛ ولی نوجوانان به سبب ناسازگاری‌هایی که ناشی از استقلال‌طلبی دارند، کمتر تحت فرمان والدین و حتی جامعه خود هستند. همچنین بین دختر و پسرها در زمینه مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی تفاوت‌هایی وجود دارد. آنچه باعث تفاوت بین این دو جنس می‌شود، نوع مسائل و مشکلات آن‌ها است. آنچه برای دخترها بیشتر به‌عنوان یک مسئله مطرح می‌شود در زمینه اوقات فراغت است که شرایط و مراکز فرهنگی و تفریحی، تاکنون بیشتر برای پسرها فراهم شده است و دخترها از این جهت، کمبود جدی دارند و میل به مرئی شدن در آن‌ها به شیوه‌ای دیگر بروز می‌کند. همچنین معضل دیگر در محتواهای درسی و فضای مدارس است؛ چراکه محتوا و محیط مدارس بر اساس جنسیت، تناسب‌سازی نشده است و از این جهت در حوزه هویت جنسی دخترها با مشکلاتی مواجه می‌شوند و حتی گاهی اوقات از جنسیت خود ناراضی هستند؛ زیرا شاهد امکانات و شرایط زندگی برای پسر، بیش از او فراهم است و نمی‌تواند خود و استعدادهايش را بروز دهد. به همین منظور، این وظیفه تمام متولیان تربیتی و فرهنگی جامعه است تا به شکل‌گیری هویت در کودکان و نوجوانان کمک کنند. لازم است نهادهای مختلف با شناخت نیازها و خصوصیات کودکان و نوجوانان در سنین مختلف رشد، موجبات رشد و تعالی آن‌ها را در جهت رفع مسائل و مشکلات فرهنگی، اجتماعی، ایجاد و ارتقای فرهنگ ایرانی- اسلامی فراهم کند و در این مسیر، دیدگاه‌های اقتصادمحور را کنار بگذارند و دلسوزانه همت خود را صرف این نسل کند تا بتوانند ثمرات شیرین آن را در رشد جامعه شاهد باشند.

پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش و بررسی‌ها، می‌توان مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را در چند بخش طبقه‌بندی کرد و متناسب با حوزه مسائل و مشکلات، نهادهای مرتبط با حل آن‌ها را شناسایی و اقدامات لازم را در جهت رفع این مسائل و مشکلات انجام داد. به همین جهت، با توجه به مصاحبه‌ها و مطالعه‌های انجام‌گرفته، می‌توان توصیه‌هایی را به شرح زیر ارائه کرد:

۱. تقویت نهاد خانواده و ارتقای مهارت‌های فرزندپروری

آموزش سواد رسانه‌ای و فناوری برای والدین: به‌ویژه والدینی که آشنایی کمتری با فضای مجازی و فناوری دارند، نیازمند برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی هستند تا بتوانند با کنترل مناسب فضای مجازی و الگوهای استفاده، کودکان را از محتواهای

آسیب‌زا دور نگه دارند.

برگزاری کارگاه‌های فرزندپروری: با هدف آشنایی والدین با روش‌های تربیتی نوین و مؤثر در تعامل با نسل جدید که می‌تواند شامل کلاس‌های عمومی یا دوره‌های آنلاین باشد. ارتقای مهارت‌های ارتباطی در خانواده: با تولید محتواهای آموزشی در رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی و همچنین از طریق برنامه‌های آموزشی در مساجد، مدارس و سایر مراکز محلی.

۲. سیاست‌گذاری فرهنگی برای تقویت هویت ملی و دینی کودکان و نوجوانان
ترویج هویت ملی و مذهبی در مدارس: تنظیم و اصلاح محتوای آموزشی به‌گونه‌ای که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی را به زبان مناسب برای کودکان و نوجوانان انتقال دهد. تولید محتوای فرهنگی و هنری: ساخت فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و محتوای آنلاین که ارزش‌های ایرانی-اسلامی را با جذابیت و کیفیت به نسل جدید منتقل کند و در عین حال سرگرمی و جذابیت کافی داشته باشد.

ایجاد شبکه‌های فرهنگی و هنری محلی: ایجاد و حمایت از انجمن‌های فرهنگی در محلات که با ارائه برنامه‌های جذاب، فعالیت‌های مشارکتی و رویدادهای محلی، حس تعلق به فرهنگ و هویت ملی را در کودکان و نوجوانان تقویت کنند.

۳. توسعه فضاهای فرهنگی و تفریحی عمومی و بهبود زیرساخت‌ها
ایجاد فضاهای امن و رایگان یا کم‌هزینه: با احداث و تجهیز مراکز فرهنگی، ورزشی و تفریحی که فعالیت‌های سالم و متنوع برای کودکان و نوجوانان داشته باشند و دسترسی همه اقشار به این مراکز تضمین شود.

حمایت از مراکز عمومی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: اختصاص بودجه بیشتر به این مراکز برای گسترش فعالیت‌ها و جذب نوجوانان و کودکان از طبقات مختلف جامعه.

گسترش برنامه‌های اوقات فراغت: طراحی برنامه‌های کاربردی برای غنی‌سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان در مدارس، تابستان‌ها و مراکز فرهنگی که علاوه بر پرورش خلاقیت و استعدادها، فرصت‌هایی برای تقویت مهارت‌های اجتماعی فراهم کند.

۴. نظارت بر محتوای فضای مجازی و ارائه خدمات ایمن‌تر
توسعه قوانین نظارتی بر محتواهای آنلاین: ایجاد چهارچوب‌های نظارتی و استانداردهای مشخص برای پلتفرم‌های دیجیتال داخلی تا محتوای مناسب برای کودکان و نوجوانان در دسترس باشد و از محتوای نامناسب جلوگیری شود.

ترویج و تبلیغ پلتفرم‌های بومی و امن: با ارائه محتوای متنوع و جذاب در بسترهای

داخلی، والدین و نوجوانان به استفاده از این ابزارها تشویق شوند. آگاهی‌رسانی دربارهٔ خطرات فضای مجازی: اجرای کمپین‌های ملی در رسانه‌های عمومی و فضای مجازی که خطرات ناشی از محتواهای مخرب و دوستی‌های مجازی نایمن را برای نوجوانان و والدین برجسته کند.

۵. افزایش تعامل و همکاری نهادهای آموزشی، فرهنگی و دینی تعامل سازنده با مدارس: افزایش نقش مدارس به‌عنوان مرکزی برای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، با تقویت دوره‌های آموزشی اجتماعی و اخلاقی که به تقویت ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و دینی کمک کند.

همکاری با مساجد و مراکز دینی: استفاده از این مراکز به‌عنوان بستری برای ارائه برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی با محتوای هویتی و مذهبی برای نوجوانان.

تدوین برنامه‌های مشترک بین نهادهای فرهنگی و اجتماعی: برای جلوگیری از تداخل برنامه‌ها و افزایش بهره‌وری، نهادهای فرهنگی مانند وزارت ارشاد، آموزش و پرورش و سازمان تبلیغات اسلامی باید به‌طور منسجم و همسو برنامه‌های فرهنگی را در سطح ملی و محلی اجرا کنند.

۶. آگاهی‌بخشی عمومی و مشارکت اجتماعی در تربیت نوجوانان راه‌اندازی کمپین‌های آگاهی‌بخشی: به‌ویژه در حوزهٔ تربیت اجتماعی و فرهنگی کودکان و نوجوانان که می‌تواند شامل آموزش مهارت‌های زندگی و آشنایی با مخاطرات اجتماعی باشد. تشویق و مشارکت نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد: برای همکاری با خانواده‌ها و مدارس در اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی و افزایش آگاهی خانواده‌ها و جامعه از نیازها و چالش‌های نوجوانان.

آموزش عمومی در رسانه‌های ملی: تولید محتواهای آموزشی در رسانه‌های ملی که خانواده‌ها را نسبت به مسائل تربیتی و چالش‌های نسل جدید آگاه کند.

این توصیه‌ها با بهره‌گیری از امکانات و شرایط فعلی ایران، می‌تواند بستر مناسبی برای کاهش چالش‌های فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان و تقویت ارزش‌های ملی و اسلامی فراهم کند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی کیپایی، هادی و فاطمه عامریان (۱۳۹۹). چالش‌ها و موانع تربیت دینی نسل چهارم انقلاب در گام دوم و راهکارهای رسانه‌ای رویارویی با آن‌ها با تأکید بر بیانات رهبری. *خانواده و پژوهش*، ۱۷(۳)، ۱۰۵-۱۲۶.
- احمدی، خدابخش (۱۳۸۹). آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در نوجوانان و جوانان. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۳)، ۲۴۱-۲۴۸.
- اخوی، ابراهیم (۱۴۰۲). مهارت‌های ارتباطی و شیوه‌های جذب نسل Z توسط مسئولان فرهنگی مساجد و نقش رسانه در این زمینه. *فصلنامه رسانه و سبک زندگی اسلامی ایرانی: ویژه‌نامه تربیت نسل Z*، ۳(۱۱).
- چاووشی، سیده مریم (۱۴۰۲). نقش سلبریتی‌ها در الگوسازی رسانه‌ای برای نسل Z. *فصلنامه رسانه و سبک زندگی اسلامی ایرانی: ویژه‌نامه تربیت نسل Z*، ۳(۱۱).
- چاووشی، سیده مریم (۱۴۰۲). نقد آزاد: ناهنجاری‌های کلامی در تولیدات شبکه خانگی. *فصلنامه رسانه و سبک زندگی اسلامی ایرانی: ویژه‌نامه تربیت نسل Z*، ۳(۱۱).
- حاضری، علی محمد و اسماعیل شریفی (۱۳۸۹). بررسی تجربه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان سال اول و دوم دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران و مقایسه آن با دو نسل قبل از خود. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۴)، ۱-۲۵. DOI: 10.22083/cssca.2024.484953.1039
- حسینی‌نثار، مجید (۱۳۹۴). رشد آموزش علوم اجتماعی. *فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۶۷(۶).
- ربانی، محسن (۱۴۰۲). نقش مؤلفه‌های برنامه‌سازی برای نسل Z در رسانه ملی. *فصلنامه رسانه و سبک زندگی اسلامی ایرانی: ویژه‌نامه تربیت نسل Z*، ۳(۱۱).
- زایرکعبه، رحیم (۱۴۰۰). روش تحلیل مسائل فرهنگی. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۲۳(۳).
- صفری‌شالی، رضا، عباسی، مهدی (۱۴۰۳). بایسته‌های مطالعات کودکی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای: تعریف کودک. *پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی کودک و نوجوان*، ۲(۱)، ۳۳-۶۶. doi: 10.22083/cssca.2024.484953.1039
- فتحی، سروش و معصومه مطلق (۱۳۹۰). جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات). *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۵)، ۱۴۵-۱۷۷.
- فرخی، میثم (۱۳۹۳). الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران. *دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات: دانشگاه امام صادق*.
- کشاوری، مصطفی، میرزایی، سروناز و اسمعیل محمدجانی (۳۹۷۱). بلوغ و بحران هویت در دوران نوجوانی و نقش آن در دوست‌یابی. اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش‌دبستانی، وزارت آموزش و پرورش.
- مرزبان، محمد مهدی (۱۴۰۳). بررسی مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی و تربیتی در بین کودکان و نوجوانان. در *هفدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*.

Ahmadi, K. (2010). Cultural, social, and educational vulnerabilities in adolescents and youth. *Journal of Behavioral Sciences*, 241-248. [In Persian]

Akhavi, E. (2023). Communication skills and methods of attracting Generation Z by mosque cultural officials and the role of media in this field. *Quarterly Journal of Media and Islamic-Iranian Lifestyle: Special Issue on Generation Z Education*. [In Persian]

Baidoo-Anu, D., & Acquah, P. A. (2021). Social challenges of adolescent secondary school students in Ghana: Evidence from Cape Coast schools. *Journal of Youth Studies*, 24(4), 540-529. <https://doi.org/10.1080/02673843.2021.2011332>

- Chavoshi, S. M. (2023). The role of celebrities in media modeling for Generation Z. *Quarterly Journal of Media and Islamic-Iranian Lifestyle: Special Issue on Generation Z Education*. [In Persian]
- Chavoshi, S. M. (2023). Free critique: Verbal anomalies in home network productions. *Quarterly Journal of Media and Islamic-Iranian Lifestyle: Special Issue on Generation Z Education*. [In Persian]
- Ebrahimi Kipai, H., & Amerian, F. (2020). Challenges and obstacles of religious education for the fourth generation of the revolution in the second step and media solutions to deal with them with an emphasis on the leader's statements. *Family and Research*, 105–126. [In Persian]
- Fathi, S., & Motlagh, M. (2011). Globalization and the generation gap (A sociological study of the generation gap with an emphasis on information and communication technology). *Strategic Studies of Public Policy*, 145–177. [In Persian]
- Farrokhi, M. (2014). The desirable model of cultural policy-making for mosques in the Islamic Republic of Iran. *Faculty of Islamic Studies and Culture and Communication, Imam Sadeq University*. [In Persian]
- Hazeri, A. M., & Sharifi, E. (2010). Examining the socialization experience of first and second-year high school male students in Tehran and comparing it with the two previous generations. *Iranian Journal of Sociology*, 101–25. <https://doi.org/20.1001.1.17351901.1388.10.4.2.0> [In Persian]
- Hosseini Nezar, M. (2015). Growth in teaching social sciences. *Growth Quarterly Journal of Social Sciences Education*. [In Persian]
- Keshavarz, M., Mirzaei, S., & Mohammadjani, I. (2018). Puberty and identity crisis in adolescence and its role in friendships. *The First National Conference on the Identity of Iranian-Islamic Children in Preschool*, Ministry of Education. [In Persian]
- Marzban, M. M. (2024). Examining the most important cultural and educational challenges among children and adolescents. *In the 17th National Conference on Management and Humanities Research in Iran*. [In Persian] Doi: <https://doi.org/10.1080/02673843.2021.2011332>
- Rabbani, M. (2023). The role of programming components for Generation Z in national media. *Quarterly Journal of Media and Islamic-Iranian Lifestyle: Special Issue on Generation Z Education*. [In Persian]
- Safari Shali, R., & Abbasi, M. (2024). Necessities of childhood studies as an interdisciplinary field: Defining the child. *Cultural and Social Research Journal of Children and Adolescents*, 33–66. [In Persian] Doi: 10.22083/cssca.2024.484953.1039
- Zaer Ka'beh, R. (2021). Method of analyzing cultural issues. *Growth in Teaching Social Sciences*, 3(23). [In Persian]



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.